



سال سوم نیمه اول آبان ۱۳۶۸

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

تروریست‌های رژیم در کالگری کانادا

جمعی از پناهندگان ایرانی مقیم کانادا طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان هشدار به پناهندگان ایرانی در کالگری کانادا ورود تروریست‌های رژیم به این شهر را تحت پوشش نمابندگی شرکت نفت ایران افشا کرده و هشدار داده‌اند. آنها رونوشت این اطلاعیه را به اداره مهاجرت کانادا، عضو بین المللی، کمساریای عالی پناهندگان - ژنو، احزاب و سازمان‌های انقلابی ایران و مجامع و تشکل‌های دمکراتیک پناهندگان ایرانی فرستاده‌اند. این اطلاعیه که در ماه اکتبر منتشر شده است از ورود عده‌ای از حزب اللهی‌های شناخته شده که تنها مهارشان جاسوسی است تحت نام نمابندگی شرکت نفت ایران به شهر کالگری و اجاره یک آپارتمان در مرکز شهر و مخفی نگهداشتن محل استقرارشان خبر میدهد. در همین مدت آنها به جبر کردن عده‌ای از میان پناهندگان

بقیه در صفحه ۲

ماورای جنایت!

رژیم‌گروه‌های سیاسی را بعنوان باندسارقین محاکمه و اعدام می‌کند موضوع، جهان‌نیان بایدار دیگر ایستادگی از جنایتکاری خارج از تصور رژیم حاکم بر ایران را باورنمابند و در این مورد وظیفه نیروهای مترقی و پناهندگان ایرانی در خارج از کشور است که با ارائه سند معتبر امنیتی محافل مترقی و پیشرو دوست کشورهای میزبان را علیه جنایات رژیم بسیج کنند.

عقوبینا لملل در این بیانیه ۵۵ تن از افرادی را که در تاریخ ۱۹ اگوست همراه ۲۴ تن دیگر تحت عنوان قاچاقچی اعدام شدند آورده و تا شنبه کرده است که آنها به گروه‌های سیاسی ایرانی تعلق داشته‌اند.

عقوبینا لملل اعلام کرد:

دولت ایران زندانیان سیاسی را تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر اعدام می‌کند.

عقوبینا لملل در بیانیه‌ای به تاریخ پانزده سپتامبر ۱۹۸۹ تأیید کرد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که سال گذشته ده‌ها هزار زندانی سیاسی را قتل عام کرد، طی این مدت بقیه زندانیان را تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر، قاتل، دزد و غیره اعدام می‌کند. قبلاً سازمان‌های سیاسی ایرانی، از جمله سازمان‌های افشا کرده که رژیم نوظهور قتل زندانیان را تحت عنوان قاچاقچی و... پیش میبرد. با بیانیه عقوبینا لملل و تا شنبه پانزده

روابط بین‌المللی ما:

درباره سازماندهی کمیته‌های همبستگی با مبارزات مردم ایران

در صفحه ۳

دولت رفسنجانی بزرگترین دلال ارز!

رانیزرا در دنیا رسیده‌ها ریه‌های دیگرش نسیب خود سازد. این تصمیم دولت را رفسنجانی در مصاحبه روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه جاری که سیاحتی اقتصادی دولت خود را توضیح میداد اعلام کرد و پس از آن، اقدام دولت با عنوان "ارز رقابتی" برای واردکنندگان کالا از سوی بانک تجارت به اجرا درآمد. بانک تجارت هدف این اقدام دولت را کاهش

بقیه در صفحه ۲

دولت جمهوری اسلامی که تاکنون در خباثت و حنایت رکوردهای جهانی را شکسته و سیاه‌ترین عناوین تاریخی از جمله: "خونخوارترین و ظالم‌ترین حکومت‌های معاصر"، "بزرگترین سازمانده تروریسم دولتی"، "سفیدکننده روی رژیم هیتلری" و آ‌آ را بخود اختصاص داده است، در سه هفته گذشته با وارد شدن در بازار سیاه پر سود ارز، شایسته است که مقام بزرگترین دلال ارز معاصر

در این شماره:

منوچهر محجوبی

در گفتگوی «پیام‌کارگر»

اطنوزتاریخ طنز در ایران (۳)

در صفحه ۶

نوسازی در آلمان دمکراتیک

مصاحبه رالف را بیسیک

در صفحه ۸

همبستگی در دام

دوبداکتانسون ارکاردن

در صفحه ۹

خودکشی پناهنده ایرانی

در صفحه ۱۱

نمایشگاه کتاب فرانکفورت

در صفحه ۱۲

اسکار برای ضدقهرمان

در صفحه ۵

اطلاعیه ده‌دسامبر

در صفحه ۱۲



صف سیب زمینی کیلویی ۱۴۵ ریال. عکس از میدان میوه قزلقلعه

ماورای جنایت

بقیه در صفحه ۱

اسامی عبارتند از:		
اسم	فامیل	محل اعدام
محمد	بیوسنی	همدان
محمدقلی	ابراهیمی	رشت
بیزن	بیگلری	کرمانشاه
بهرام	کاظمی	شیراز
مسعود	ثابت	شیراز

عقوبینا لمللی در همین بیانیته بر اساس گزارش که در دست دارد، اضافه کرده است، همایون مولتی شاهرخ شمس و مهدی ثابتنی در جریان اعدامهای قتل با همان اتهام قاچاقچی اعدام شده اند، در حالیکه جزونیروهای سیاسی بوده اند.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هر بار با انتشار بیانیتهای عقوبینا لمللی در مورد جنایاتش، عکس العمل نشان داده و اسامی سازمان را آلت دست اسرار قدرت قلمداد نموده است. اخیرا نیز پس از انتشار گزارش سالینا نه زمان عقوبینا لمللی که اسناد مفصلی در مورد پیمانال شدن حقوق بشر در ایران ارائه داده است، سر جنایتکار رژیم، خامنه‌ای اعلام کرد که به گزارشات عقوبینا لمللی واقعی

دولت رفسنجانی بزرگترین

بقیه در صفحه ۱

ارزش ارز در بازار، رسیاه و تشبیت قیمتتارزها و بدین ترتیب کاهش قیمت کالاها عنوان نمود. اما رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی اخیرش در ۲۳ اکتبر قضیه را روشن کرد: "اگر یک میلیارد دلار از باقیمت ما در اتی ۵۰ یا ۶۰ تومان وارد بازار کنیم خواهیم توانست معادل ۶۰ یا ۷۰ میلیارد تومان بدست آوریم که این مسئله باعث تا میسن بخشی از کسری بوجه نیز خواهد شد."

گذشته از اشتباه محاسبه در اقدام اعلام شده توسط رفسنجانی، تا حدودی اواقیقت اسرار گفته است: هدف دولت بمناب یک دلال ارز بزرگ رقابت با سایر بر دلالان ارز است. دولت لستی را هم که دم کنون میتوانند از رزرقا بنی اسفاده نمایند اعلام کرده است که عبارتند از: سازمان صنایع ملی و شرکت های تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکتهای تحت پوشش سازمان گسترش خدمات بازرگانی - تعاونی صنوف - بنیاد جانبازان و مستضعفان انقلاب اسلامی و شرکت های تحت پوشش - بنیاد شهیدان انقلاب اسلامی و شرکت های تحت پوشش - اتحادیه مکان و شهر و روستا.

اما از آنجا که بورژوازی تحریری و جبالگسر ایران بعنوان شریک فقها سازماندهی و اداره همه موسسات ذکر شده در بالا برعهده دارد. رقم ۶۰

نخواهد گذاشت، چرا که آنها در خدمت ابرقدرتها هستند. عقوبینا لمللی در این گزارش آورده است که دویا در طی دو سال گذشته از ایران خواسته است که اجازه سفر یک هیئت از این سازمان را به ایران بدهد تا با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره نماید و از زندانها دیدن کنند، که در هر دو بار ربا بیاعتنائی رژیم ایران روبرو گردیده اند.

علی رغم انکار رژیم مبنی بر اعدام زندانیان سیاسی با عناوین قاچاقچی و سارق مسلح، اسنادوشوا هدف راوانی وجود دارد که برده از توطئه بی شرمانه رژیم بر میآید. در این مورد گسزارش کیپان، روزنامه رژیم، در تاریخ ۲۳ شهریور از جریان محاکمه یک گروه سیاسی جالب توجه است.



عکس تعدادی از مارتان سیاسی که با آنها سرقت و قتل دستگیر شده اند

با ۷۰ میلیارد تومان، میتوان یک لقمه کوچک، اما جرب و نرم و راحت به آسانی توسط نقدینگی ۱۷۰۰ میلیارد تومانی متمرکز در دست تجار بلعیده خواهد شد. اگرچه توسط رئیس بانک مرکزی رژیم ادعا شده است که دولت این سیاست را ادامه خواهد داد و موقتی نیست، معلوم نگردیده که منابع سرشاری که دولت را در بلندمدت قادر به رقابت با سایر بر دلالان خواهد کرد، از کجا تا میسن خواهد گردید.

دولت از آنجایی که مبدا نندخواهد توانست از عهده تجار بزرگ برآید برای ارباب کوچکترها در روزنامه های کشور در دو هفته اخیر در مطلب زبا دو چاپ عکس پیرامون موفقیت اقدام خود دست به تبلیغات روانی زده است و مقام بانکی رژیم با بسوزی به سرمایه داران توصیه کرده است قبل اینکه بیشتر متضرر گردند، با زار ارز را ترک کنند!

طبق ادعای مقامات رژیم آنها قیمت ارز رقابتی را شناور کرده و مرتب و بلگانی پائین خواهند آورد. اما تازه اگر این ادعا واقیقت پیدا کند، چه باک! تجار محترم قادر خواهند بود در قریب بیشتری از ارز ارزان رقابتی را نسیب خود سازند. مگر مردم فقیر شده و کارگران استعما شده کشور مان خریدار ارز هستند؟ تسبب آنرا افزایش اسفارگسیخته قیمت کالاها اساسی و ما بحتاج عمومی است.

افزایش قیمتتیا واحتکار ما بحتاج مردم در هفته های گذشته توسط زاربان محترم به حدی رسیده

بیدادگانه های اسلامی رژیم اگر چه در این مورد مجبور شده اند به سیاسی بودن متیمن اعتراف کنند، اما جای تلاش کردند آنها را به قتل و سرقت مسلحانه که گویا تحت پوشش یک گروه چپی فعالیت میکردند مورد محاکمه و اعدام قرار دهند.

دستگیرشدگان که از فعالیتین گروه اتحاد کارگران معروف به خط ۵ هستند، از روشنفکران و فعالین جنبش چپ ایران بودند که در جهت سازماندهی کارگری تلاش میکردند. سند مذکور یکی از مواردی است که رژیم پس از بر ملا شدن توطئه اش، علنی کرده است تا جنایات بشمارا دیگری را ببوشاند.

این دیگر ماورای جنایت است. ما از این مبارزان دفاع کرده و اقدام بشمارا نه فقها را محکوم میکنیم.

است که نمایندگان مجلس رژیم و برخی مقامات به وحشت افتاده و مرتب به دولت رفسنجانی و شخصی ایشان تذکرواخطا در مورد سر نوشت حکومت میدهند و دویا ره در سریالائی همدیگر را مثل اسپها گاز میگیرند.

در این مورد توجه به افزایش قیمت سیب زمینی و بیابا زدر سه هفته گذشته تا ۴۰ و ۲۰۰ تومان بیشتر از هر چیز دیگری گویای حقیقت اقدام فریبکارانه دولت رفسنجانی است. شبکه هزینهی تجار محترم آنچنان سازمان یافته و منظم در عرض چند روزگالاهای حیاتی غیر سوسیددا روزنامه مردم را از منازها جمع کردند، که دولت مجبور شد خروج سیب زمینی از مراکز تولید را ممنوع اعلام کرده و خود در میدان شپرداری اقدام به توزیع سیب زمینی به قیمت کیلوثی ۱۴۵ ریال بنماید. بیگ با رفروش در این زمینه خبرنگار کیپان چنین میگوید: تا چندی پیش سیب زمینی و بیابا نرخ عادلانه توزیع میکردند و نگرانی نبود. اخیرا تروریستهای اقتصادی وارد عمل شدند و ساعت به ساعت قیمت سیب زمینی و بیابا زار ناآلاردند. که اگر مسئولان دیر به فکر افتاده بودند، امسال سیب زمینی به کیلوثی مدتومان هم میرسد.

مقاله یکی از ساده لوحان هوادار رژیم در کیپان هوای ۲۶ مهر جالب خوانندگی است. و ابعا دفشارو کلافگی بخشهای از رژیم را نشان میدهد:

"... این نکته بدیهی است که غیب شدن ناگهانی

روابط بین المللی ما:

درباره سازماندهی کمیته‌های همبستگی با مبارزات مردم ایران

کمیته‌های همبستگی یکی از رایج‌ترین و موثرترین شیوه‌های فعالیت بین‌المللی سازمانها و احزاب سیاسی در تبعید و یا در مهاجرت برای جلب همبستگی بین‌المللی است. این کمیته‌ها بسته به شکل گوناگون ایجاد شده و در زمینه‌های مختلفاً در سازماندهی همبستگی بین‌المللی با مبارزات خلقهای کشورهای تحت‌تصرف یا به‌پیش‌میرنده در نوشته‌ها و فریب‌طور موجوده‌ها یکا کمیته‌های همبستگی در فعالیت بین‌المللی ما، نحوه عمومی شکل دادن به آن و سیاست سازمان درقبال این کمیته‌ها می‌پردازیم. در آینده سعی خواهیم نمود که درباره مضمون پایه‌ای از این کمیته‌ها بطور جداگانه بنویسیم.

چون کمیته‌های همبستگی در فعالیت بین‌المللی ما:

کمیته‌های همبستگی اهرم فعالیت مستمر برای سازماندهی همبستگی بین‌المللی با انقلاب ایران هستند. این کمیته‌ها در کنار ارتباطات و اقدامات احزاب سیاسی و نیز در کنار فعالیت‌های توده‌ای و دمکراتیک آزادها جریانی ایرانی، وظیفه دارند که کارزار همبستگی با مبارزات مردم ایران را به نحو مستمر سازمان داده و اهداف معین خود را در خلال حوادث سیاسی جاری دنبال کنند. این نوع کمیته‌ها در فعالیت‌های همبستگی دارای کاربری و نقش نسبتاً موثری بوده و بعضاً درغیا با شکل دیگر فعالیت‌های همبستگی به‌عنوان مهمترین شکل آن عمل کرده‌اند. مثلاً کمیته‌های همبستگی با انقلاب نیکاراگوئه، مهمترین و موثرترین ابزارهای سازماندهی همبستگی بین‌المللی با این انقلاب بوده و سهم‌ناسته‌ای در پی‌ریزی به‌خلاق نیکاراگوئه برای مقابله با تهاجم مبریا لاسام یا نکی و مزدوران آن داشته‌اند.

اهمیت کمیته‌های همبستگی برای فعالین جنبش دمکراتیک و احزاب ایران در خارج از کشور از دیرباز تا حد زیادی روشن بوده است. در دوره رژیم ستم‌شاهی کارزارهای همبستگی با زندانیان سیاسی و بویژه مبارزینی که محاکمه شده و یا در خطر اعدام قرار داشتند، از جمله با استفاده از حربه کمیته‌های مزبور صورت گرفتند و غالباً نیز موثر بودند.

ویژگی کمیته‌های همبستگی کدام است؟ تفاوت فعالیت کمیته‌های همبستگی با تشکلهای دمکراتیک وسیع کدام است؟ به این سوال باید پاسخ روشنی داد. ویژگی اصلی کمیته همبستگی در این است که بعنوان یک جمع نسبتاً محدود، کارا و چالاک را اصلی خود را فعالیت تشکیلی و تبلیغاتی، ساختن افکار عمومی و بسیج آن در جهت سازمان‌دهی همبستگی با مبارزات مردم

ایران قرار میدهد. مخاطب اصلی کمیته‌های همبستگی افکار عمومی مردم کشورها می‌باشد. این کمیته‌ها در آنجا فعالیت میکنند و از این رو: - کمیته همبستگی با کمترین محدودیت و با بیشترین چالاک می‌تواند از شیوه‌های متنوع کار تبلیغاتی و مطبوعاتی در جهت بسیج افکار عمومی و تبدیل این افکار به اهرم فشار سیاسی به رژیم اسلامی و احیاناً بین‌المللی آن سودجوید.

- کمیته همبستگی نیازی به اتکا به یک جمع از مهاجرین ایرانی ندارد و اساساً بدون توجه به درخواستهای صنفی و سیاسی مهاجرین نیز می‌تواند کار خود را انجام دهد. این کمیته وظیفه سازماندهی افراد و بنا بر این وظیفه مبارزه برای درخواستهای سیاسی و صنفی آنها را در مقابل خود نمینهد، بلکه هدف خود را سازمان‌دهی افکار عمومی غیرایرانی میداند.

- کمیته همبستگی بسته به نیاز خود می‌تواند یک ترکیب نسبتاً محدود یعنی چند نفر ایجاد شود و گسترش کمی قابل ملاحظاتی نیز نداشته باشد. آنچه که در این ترکیب کلیدی است عبارت است از توانائی افرادی برای فعالیت‌های تبلیغاتی درازمدت و مستمر علاوه بر اینکه اعضای کمیته باید بتوانند با یکدیگر کار کنند. از این رو کیفیت و توانایی کار جمعی با دیگران، مشخصات مطلوب اعضای کمیته میباشند.

- کمیته همبستگی به لحاظ ترکیب بسیار متنوع و مختلط، یعنی ایرانی و خارجی باشد و بتواند متناسب با پیشرفت فعالیت، خود را تقویت کرده و توسعه دهد. آنچه که در این رابطه اهمیت دارد، این است که رفقای سازمان در اقدامات خود برای تشکیل کمیته، با توجه به ویژگی اصلی کمیته یعنی کار تبلیغاتی در افکار عمومی - با ید سراغ افراد مناسب ایرانی و خارجی بروند و هرچقدر لازم باشد یک ترکیب محدود و متناسب را به یک جمع بزرگتر رسانا مناسب ترجیح دهند.

چالاک، فقدان محدودیت و ترکیب محدود و کارا برای فعالیت‌های تبلیغاتی، خصوصاً تبلیغاتی کمیته همبستگی را از تشکلهای دمکراتیک عمومی متمایز میکنند. در عین حال نقاط ضعف کمیته‌های مزبور نیز نباید از نظر دور افتند. مهمترین ضعف کمیته‌ها این است که با ید بطور دائم از نظر سیاسی، تحلیلی و اطلاعاتی تغذیه شوند تا بطور دائم در مقابل حوادث سیاسی آمادگی عکس العمل داشته باشند و اگر تغذیه سیاسی و اطلاعاتی منظم صورت نگیرد، آنگاه کمیته در فعالیت خود درجا زده و نتایج کارش ناچیز خواهد بود. بعلاوه محدود بودن کمیته‌های همبستگی و عدم توانائی آنها به اتکا به جمع وسیعی از فعالین سیاسی و یا مهاجرین موجب کاهش

وزن سیاسی آن بویژه در مراحل آغاز فعالیت خواهد شد.

ایجاد کمیته‌های همبستگی و رابطه با آنها در بحث تکنونی ما مشخص شده است که کمیته همبستگی را بعنوان تشکل دمکراتیک مختلط ایرانی - خارجی، با ترکیب محدود و متناسب برای سازماندهی همبستگی با مبارزات مردم ایران و با کار اساساً تبلیغاتی می‌شناسیم، که می‌تواند فعالیت سیاسی چالاک را انجام دهد، برای روشن شدن چگونگی ایجاد کمیته‌های مزبور ما با ید مواضع عینی در راه ایجاد آنها از جمله چگونگی رابطه با آنها را بشناسیم. مواضع عینی در راه ایجاد کمیته‌ها کدامند؟ این مواضع را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود:

(۱) یافتن افراد مناسب ایرانی و خارجی برای

کمیته‌ها، مهمترین مشکل است. درباره مشکل یافتن افراد ایرانی کم و بیش میدانیست که اگر تعلقات سیاسی و حزبی افراد را در نظر بگیریم، به سختی می‌توان فردی را یافت که با وی بتوان کار درازمدتی را به پیش برد.

در این صورت افراد غیر وابسته به سازمانهای سیاسی میمانند که با یدقا عدتاً آشنا می‌باشند و توانایی مناسب برای کار مشترک و غیره وجود داشته باشد و یا فتن چنین افرادی نسبتاً دشوار است. بهرحال جز تلاش در جهت یافتن افراد مناسب راهی نیست اما با ید متذکر شویم که در صورت پیدا نشدن افراد مورد نظر نباید منتظرماند بلکه می‌توان حتی توسط رفقای سازمان و افراد خارجی چنین کمیته‌ها را ایجاد کرد. مشکل اصلی در یافتن افراد خارجی و جلب اعتماد آنها در این است که آنها در مجموع تصور مثبتی از سازمانهای سیاسی ایرانی ندارند.

درگیریهای بعضاً فیزیکی بین سازمانها، عقب ماندگی درک و بینش دمکراتیک آنها، رویکرد کاسیکارانه و فرصت طلبانه به همبستگی بین‌المللی و فقدان آلترا ناتیوا نیتی دمکراتیک در اویزیسیون ایران همه دلایل بعضاً موجهی هستند که موجب بی‌علاقگی آنها به کار دمکراتیک با ایرانیان میشود. ما با ید در مناسبت‌های مختلف با ید سازماندهی کمیته‌های همبستگی با مبارزات مردم ایران را در افکار عمومی و در تیروهای دمکراتیک، ترقیخواه و انقلابی خارجی برده و زمینه‌های فعالیت مشترک را مهیا کنیم.

(۲) اینها مابست مربوط به چگونگی رابطه با سازمانهای سیاسی که توسط افراد ایرانی و خارجی به یکسان وجود دارد مطرح میشود. یک وجه از اینها م در باره خط سیاسی سازمانها و نقش واقعی بقیه در صفحه ۱۱

مصاحبه مطبوعاتی رفسنجان

ده تن شمش طلا، مفرغ شد!

یافت میشود و هر کس می تواند چندین تن از آن را خریداری می کند و در شرایطی که دولت به شدت مداخلت صنعتی را تشویق می کند و قانونی برای منع صدور مفرغ وجود ندارد، معلوم نیست که مجرم چرا آنها را به دقت حاز سازی کرده بسوده است! البته کیهن چند روز پس از این حادثه خبر کشف مقدار زیادی مس را که قاچاقی ها قصد بردن آن به ترکیه را داشتند، درج کرده است. بنظرمی رسد که قاچاقی ها و غارتگران ثروتمندی ملی، دیگر چیزها را برای قاچاق بیسود نمی کنند و احتمالاً در روزهای آینده باید

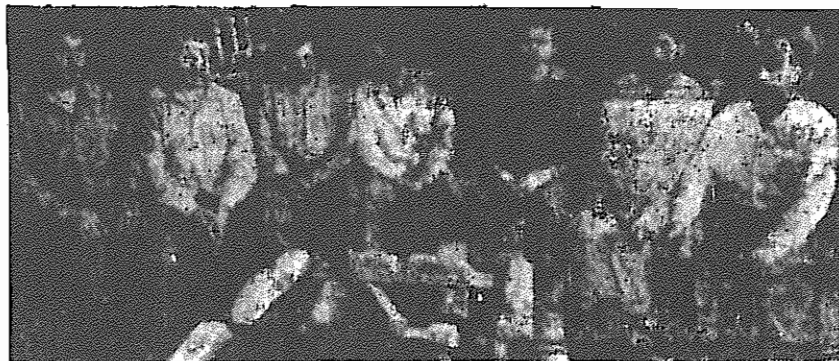
در هفته های گذشته رسانه های گروهی رژیم با آبتاب کشف ده تن طلای حاز سازی شده در دو کامیون را که قصد خروج ز کشور را داشته درج کرده بودند، حالا با همان آبتاب و جنبل و جادو به مفرغ تبدیل کرده اند. معلوم نیست در مملکتی که سخا ط ستر سنتها و مناسبات اقتصادی موجود، هر چه روستائی قادر است طلا را از مفرغ تشخیص دهد، چه گونه مقامات مسئول زاندا سری رژیم علی رغم اینکه در محل کشف شمشها آنها توسط زرگران مورد

روز ۱۲ کتبر رفسنجان در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت کرده و به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داده دولت ایران از مدتها پیش برای این مصاحبه تدارک دیده و خبرنگاران زیادی را از خارج دعوت کرده بود. طبق گزارش خبرنگار بیها در حدود ده تن خبرنگار و فیلم بردار خارجی در این مصاحبه شرکت داشتند. رفسنجان بعنوان مرد اول قوه مجریه رژیم تمام حرفها و اظهاراتی را که تا بحال مقامات در حه دوم رژیم در وزارت خارجه و غیره بیان کرده بودند، تکرار کردند و نتوانست چیزی بیش از آنها ارائه دهد. او در رابطه با از سرگیری مناسبات سیاسی با آمریکا شرط آزادی سبدهای ایران در نزد بانکهای آمریکائی و آزادی همه گروگانها را گذاشت و به سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای تأمین امنیت پولها یشان تضمین داد. در همین رابطه بلافاصله سخنگوی دولت آمریکا اعلام کرد که مساله پولهای ایران ربطی به مساله گروگانها و حتی گروگانهای ایرانی در نزد فائو نیست و ندارد و ایران باید گروگانها را آزاد کرده و از تروریست پروری دست بردارد. پارلمان آمریکا، چهار کشور ایران، لیبی، یمن جنوبی، عراق، کره - شمالی را تروریست پرورنا میداند و صدور اسلحه به این کشورها را منع کرده است.

روزنامه جمهوری اسلامی

و تقدیر از شورای نگهبان

روزنامه جمهوری اسلامی و تقدیر از شورای نگهبان شورای نگهبان قانون اساسی رژیم اسلامی طرح مصونیت نمایندگان مجلس را رد کرد. نماینده کان مجلس که خود عمدتاً از چاکران و مزدوران رژیم هستند، در سال گذشته چندین مورد در شهرستانها و حتی در محلی که نماینده آن هستند، توسط ارگانهای سرکوب رژیم با زداشت و با زجوشی شدند. آنها در حل این مشکل در جلسه ۶۸/۷/۱۵ مجلس ماه واحدهای در مورد نحوه رسیدگی به مسائل قضائی نمایندگان مجلس به شرح زیر: "رسیدگی به اتهامات قبل و دوران نمایندگی مجلس شورای اسلامی تنها از طریق دادسراها و دادگاههای زیربط که در تهران مستقر هستند انجام می گیرد و هرگونه اظهارات، اظهار رویا جلب آنها نیز تنها از طریق مجلس شورای اسلامی صورت خواهد گرفت" تصویب کردند، اما شورای نگهبان طرح مذکور را مغایر با قانون اساسی، خلاف شرع و موازین قضائی دانسته و رد کرد. بدین سبب روزنامه جمهوری اسلامی طی مقاله ای در شماره ۶۸/۷/۱۷ شورای نگهبان تقدیر کرد. از نظر این روزنامه در ارزشهای اسلامی هیچ کم بردیگری نباید راجح شمرده شده و دارای امتیاز ویژه ای باشد. همه مردم و حتی (با ملاحظه) نمایندگان آنها در مجلس در مقابل ارگانهای سرکوب رژیم دارای حق مساوی هستند!



شاهد کشف قاچاق سنگ آهن، گج، و غیره باشیم و یا شایده در اثرات شعاب درون حاکمان طرفین امسوال یکدیگر را مصادره می کنند!

در این چند ساله سرای احزاب و گروههای سیاسی قانونی به وجود آمده است" شده است.

تویوس های دست دوم آلمان

در تهران

ولی الله چهپور مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی در تهران در اولین روز کارگرمی اتوبوس های دست دوم با سازی شده آلمانی به خبرنگاران گفت که آنها با اختصاص اعتباری معادل ۱۲ میلیون دلار از رزمندگانه با کمپانی فروشنده اتوبوس آلمان فدرال، تعداد ده دستگاه اتوبوس با سازی شده با ویژگیهای حمل و نقل شهری خریداری و تعداد ده دستگاه از آن در مرحله اول در تهران و شهرستانها بکار گرفته خواهند شد. نا مه ۱۴۶ نفر از نمایندگان

مجلس به رفسنجان

۱۴۶ نفر از نمایندگان مجلس طی نامه ای به رفسنجان خواستند که امسال روز ملی مبارزه با استکبار (سیزده آبان روز اشغال سفارت آمریکا) باشکوه بیشتری برگزار گردد و در این روز جنایات آمریکا ذکر شود. بخش بزرگی از نمایندگان مجلس که رئیس جمهوری خود را خوب می شناسند در "مسد آمریکا" بودن او تردید دارند، مجبور شده اند طی این نامه روز ملی را به وی یادآوری نمایند. و با تحت فشار گذاشتن او و راه انداختن هیاهو در این روز بلکه بتوانند سنگ های دیگری بر جاده اتمالی به آمریکا که رفسنجان در ماف کردن آن تلاش می کند بیا نندازد.

معاینه قراردادها اند، متوجه مفرغ بودن آنها نشده اند! بنا به نوشته روزنامه کیهان شمش های مفرغ در میدان شوش تهران به وفور ژاپن یک میلیار دلار به ایران پرداخت می کنند

آقا زاده وزیر نفت رژیم در یک مصاحبه

مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد که مقرر است تا ماه سپتامبر کمپانی میتسوبشی ژاپن و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران امضاء شده و طرف ژاپنی موظف شده است تا سه ماه آینده یک میلیارد دلار بابت عدم انجام تعهدات مالی نسبت به پسر وژه پتروشیمی ایران و ژاپن پرداخت نماید. به موجب این مقرر است تا سه ماه، ایران و ژاپن به شراکت خود در پروژه پتروشیمی بندر امام خمینی خاتمه داده و قرارداد اصلی آن با محاسبه تعهدات طرفین فسخ گردید. لازم به تذکر است که ایران با بدین مبلغ فوق را به بانکهای ژاپنی که نزد آنان بدهکار است بپردازد. آقا زاده در این مصاحبه ادعا کرد که ایران با نیم میلیارد دلار باقی مانده، پروژه را که اکنون کاملاً متعلق به ایران است تکمیل خواهد کرد.

نامه نهضت آزادی به رفسنجان

"نهضت آزادی" حزب مهدی بازرگان اولین نخست وزیر رژیم خمینی که تا بحال با حمایت از رژیم توانسته است از ممنوعیت و انحلال فرار کند، در نامه ای به رفسنجان رئیس جمهوری خواهان تسریع صدور مجوز فعالیت برای نهضت آزادی شده است. نهضت در این نامه با یادآوری قول هائی که رفسنجان داده است خواستار برطرف سازی "محدودیتها و ممنوعیت هائی که

۱۴ سالگی پس از برگ پدرش از حاجی محمود،
برادرزاده پدرش که سرپرستی و اداره خانه حاجی
ادیب را به دست دارد، میخواد هکده زن او بشود
میشود. چپا رسال بعد طوبی به این گنا که برای
نخستین بار سی خواست خودش از خانه شوهر
بیرون رفته و تمام روز گم شده است، به طلاقه میشود.
طوبی در روز گم شدنش به تمام دف با آقای خیابانی
"آخوندانقلابی" (۴۸ص)، نماینده مجلس و اهل
تبریز آشنا میشود و همین دیدار کوتاه تا آخر
زندگی، ذهنش را مشغول میدارد و زمانی نیز
روزی نامه ای، که نیمه پنهانی منتشر میشود میاید
تا سخنرانی های خیابانی را در مجلس بخواند.
این بیوه جوان بزودی با یکی از هزارگان
درویش مسلک قاجاری ازدواج میکند و به
همپانی های آنان خوانده میشود و به اندیشه ها و
دنیای دیگری متفوت با چارچوب خانگی
سنتی آشنا میشود و بحثهای سیاسی میشوند.
با انقلاب مشروطه و واژگونی سلسله قاجاریه و
روی کار آمدن خاندان پهلوی زندگی بر او
سخت میشود و دوباره به قالی باقی روی میاورد
و...."

"کوتا سخن آنکه رومان "طوبی و معنای شب"
با همه نارسائی های که میتوان در آن یافت
اشرا رزنده ای در ادبیات فارسی است و خواندن
آن دلپذیر است. در این رومان بسیاری از دیگر
کونی های زندگی زن در ایران از آغاز انقلاب
مشروطیت تا به امروز گم و بیش نما یا نده شده است
و نویسنده فرا موش نمیکند که به خواننده یادآوری
کنند که دست کم از یک سده پیش و از آغاز انقلاب
مشروطیت در کنار اکثریت زن سنتی که اغلب
پذیرای دگرگونی ها بوده، زنان دیگر نیز
دو شا دوش آنان همیشه میزیستند که زنستها
بریده بودند...."

قلمستان حسین دولت آبادی، پاریس
سما یشتا مه قلمستان گذری است به روستائی
در حاشیه تهران، پس از انقلاب با مکتبی بسروری
قلمستان "چلمرد"، زندگی چلمرد "رعیت و با غدار"
و خانواده اش در این روستا و مخالفت و مبارزه اش
با پلیدیها، موضوع نما یشتا مه است. چلمرد در این
راستا ست که به شلاق کشیده میشود ولی با تن خویش
وزخم خورده بر سرورنا میدمد، دمیدنی که به مبارزه
طلبیدن است، و با زبیدائی و گسترش روشنائی...
"دا و دخدا" و "برخورد" ۴، ۳، ۲، ۱، ۳، ۲، ۱
نما یشتا مه دا و دخدا، نما یشتا گوشه های از
دردها و رنج های مردم جنوب شهرتیه سران
و برخوردارها و برداشت های شان از مسائل سیاسی و
اجتماعی روزها معمان است. نما یشتا مه برخورد
تیز رویدادهای رخ داده در یک موه سه انشائاتی
در تهران را در قالب نمایش بیان میکند. این
نما یشتا مه برخورد میمان "کارگران پیشسرو"
موه سه با کارفرما و حمایت پاداران جمهوری
اسلامی از کارفرما و... را به نمایش میگذارد.

سینما، کتاب

هم نقش بازی میکنند. بازی "ها فمن" در این فیلم
و حالات او بهترین نمونه گویا برای ارزیابی
استوارند و قرار کرد. بازی او در این فیلم در اصل
نقی سازی "استیو مک کوئین" است.
و خلاصه اینکه "داستین هافمن" برنده مسال
جایزه اسکار از معدود هنرپیشه های است که میتوان
گفت هم در عرصه بازیگری و مهارت هنری و هم در عرصه
نظری، هنرمندی است دارای سبک. فیلمهای او
گویای کار او در این زمینه است.

معرفی کتاب

یک عکس جمعی ق. فرسای آلمان غربی
این مجموعه شامل پانزده داستان
کوتاه است، که تحت عنوان "داستانهای میهنی"
و "داستانهای مهاجرت" آورده شده است. در میان
داستانهای میهنی و داستانهای تبعیدبری از
داستانهای به زبان آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه
شده است. این کتاب جایزه بورس ادبی هانریش
بل - ۱۹۸۸ را نیز بخود اختصاص داده است.
و اسپین نامه ها "اسناد خونین" و "مست"
جلد اول گرد آورنده آرش ۱۳۶۸، انتشارات شقایق
آلمان غربی

و اسپین نامه ها مجموعه بیست و نه وصیت نامه،
نوشته و سروده زندانیان سیاسی است که به دست
رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند. در بخش
پایانی کتاب (بخش اسناد)، دستنوشته ها و برخی
از یادگارهای جانبختگان نیز آورده شده است.
در پیشگفتار کتاب آمده است:

"... گردآوری و پاسداری از این اسناد،
ستایش اندیشگی و کردار بزرگوارانی است که
نیاز تاریخ و آبروی جهان و انسانیت است،
بزرگوارانی که در جسم خود قالی اما در عمل خویش
جاویدند."

طوبی و معنای شب شهرنوش با رسی پور، تهران
طوبی و معنای شب تازه ترین اثر شهرنوش با رسی -
پورا است. عبدالحمید ابوالحمید در رابطه با
معرفی و نقد این رومان اجتماعی - سیاسی
تحت عنوان زن، سنت و سیاست در آدینه شماره
۲۷ (مهرماه ۱۳۶۸) مینویسد:

"طوبی زنی است که کمی پیش از "غوغای
مشروطیت" (ص ۲۳) و نه انقلاب مشروطیت، یعنی
آغاز زده بیستم میلادی در یک خانواده روحانی به
نام حاجی ادیب زاده شد و در کودکی درس قرآن،
خواندن و نوشتن و قالی باقی آمیخت. طوبی در

اسکار برای ضدقهرمان

جندی پیش اعلام شد که "داستین هافمن" بازیگر
اسکار آمریکا بیخاطربازی در فیلم "سرد
سارانی" موفق به دریافت جایزه اسکار گردیده
است. داستین هافمن که با فیلم "پدرخوانده" در
ایران مشهور گردید از هنرپیشه های است که می -
خواهد واقعیت را به پرده سینمای آمریکا ساز -
گرداند. واقعیتی که به دنبال جنگ جهانی دوم
همیشه سعی گشته و آرونه جلوه داده شود.

پس از جنگ جهانی دوم و تمفیه ای که توسط
حربان مک کارتیسم در عرصه هنر آمریکا صورت گرفت
سینما نیز به جولانگاه قهرمانانی تبدیل شد که یک
تنه قهرمانان مخرجی بودند. قهرمانان ناسی
شکستناپذیر، خوش گذران، دانا و مدبر در تمام
عرصه های فکری و علمی و در اصل نافی هرگونه
تفکری جز آنچه رهبران آمریکا را خوش آید. این
قهرمانان قادرند هر کار غیرممکن را ممکن
سازند. یک تنه شهری را به آشوب میکشاند، لشکر
عظیمی را منهدم میکنند، عدالت (البته به شیوه
هالیوودی) برقرار میکنند و... بیش از چهار دهه
است که سینمای آمریکا و با طبع سینمای جهان در
شخیر این تفکر است. هر از چندگاه جرقه های
جهت شکستن این جوسه چشم میخورد ولی کماکان فکر
حاکم همان است که بود. جنگ سرما به داری چنان
این هنر را میقتار که بیرون رفت از آن بسیار مشکل
است. "پدرخوانده" از آن جرقه های بود که
"مارلون براندو" و "داستین هافمن" هر دو در آن
نقش داشتند. پس از پدرخوانده "داستین هافمن"
فیلمهای زیادی بازی کرده است. بزرگ مرد کوچک
"گاسوی نیمه شب"، "گاجوشت"، "ماراتین سن"،
"پاپیون" و...
نما فیلمی است که داستین هافمن در آن نیا

انگای نقش سمود در یک چیز نقطه مشترک دارد.
نقطه مشترکی که میتوان به آن "مقدقهرمان" گفت.
چیزی که سینمای آمریکا فاقد آن است. مقدقهرمان
برخلاف "قهرمان" انسانی است عادی و زمینی.
آنطور میزبند که نگران، ارجوز دیگران میبرد و
در نه هم گریه جدی و لرز دارد اگر حشمت،
او میتوان آدمی حساب سازد ولی در عین حال بی
گناه (اکا بوی سیمه شت) و با قهرمانی که در عین
قهرمانی در اوج ترس قرار میگیرد (ماراتین سن)
و... اینها ست که از "ها فمن" یک هنرپیشه برتر
میآید. این برتری را به عینه در فیلم "پاپیون"
میتوان دید که "مقدقهرمان" (ها فمن) با بسک
قهرمان (استیو مک کوئین) همبازی میگردند و در کنار

منوچهر محجوبی

در گفتگو با پیام کارگر

طنز و تارین طنز در ایران (۳)

پیام کارگر: آبا این سه نشره انعکاس گرایش های طبقاتی خاص بودند، و آیا مطلقاً درج شده در آن ها، که به یک کارزار سیاسی، دام بزند، سایک حرکت سیاسی راه سهم خودش تشدید کند و وجود داشت.

محجوبی: روزنامه های توفیق زحاجی سا، روزنامه های فراطبقاتی بودند که موضوع صحبتشان بیشتر طبقات بائین اجتماع را در بر می گرفتند اما روزنامه جلنگرش را مشخصی داشت.

"بشکنی ای قلم ای دستاگر بیچی از خدمت محرومان سر"

بنا بر این موضع طبقاتی جلنگرش روشن بود، دفاع از محرومان و مشخصاً طبقه کارگر. بنا بر این هر چه می نوشت می داشت با چه هدفی ست و برای چه می نویسد. جلنگرش تنها روزنامه ای بود که هدف دفاع از طبقه کارگر و رده نظام.

همانطور که میدانید دوره ای مورد بحث، در واقع دوره ای بحران نفت بود و تا شیر روزنامه ها را در رابطه با این بحران می توان دید. روزنامه جلنگرش متأسفانه در این رابطه نقشی منفی ایفا کرد چرا که شعار حزب توده را می داد که در واقع در بررسی تاریخی این نقش منفی، همان خیانت بود. در آن موقع چپ سنتی یا چپی که در آن دوره وجود داشت، مصدق را نماینده بورژوازی ایران می دانست این چپ می خواست مصدق را از مردم جدا کند، و به مردم بفهماند که مصدق از طبقه آنها نیست، که این مسأله در آن موقعیت مبارزه خداستعماری به هیچ وجه کمک کننده نبود. در آن موقع روشنفکران طبقه کارگر را حتی کسانی در بر می گرفتند که از این طبقه نبودند اما برای این طبقه کار می کردند، روشنفکرانی که عمدتاً خرده بورژوا بودند. خب نه آموزش لازم برای طبقه کارگر بود و نه شرایط فرهنگی، اقتصاد و سیاسی ضرور که بتواند روشنفکران خودش را پرورش بدهد. اگر کارگری هم آگاه می شد، آگاهان ارزش تجربی داشت نه شورویک، روشنفکران آن دوره در واقع مدافع طبقه کارگر نبودند و عمدتاً هم تحت تاثیر حزب توده و حزب کمونیست شوروی، این روشنفکران در برخورد با اقدامات بورژوازی به ارزش اقدامات در بعد ملی توجه نداشت و تلاش این بود که فقط طبقه کارگر را طرف خسودش بکشند و این در آن دوره زیانهای فراوانی بهمراه داشت. چنین درک و برداشتی در مطبوعات طنز هم خود را نشان می داد. آنهم با شدت و اغراق بیشتر چرا که اغراق یکی از ابزارهای مورداستفاده طنز است. برای مثال، مصدق رقاصه ای معروف می شد که در حال رقص برای آمریکا ست، چماقدارانی نشان داده می شدند که سرخ آن ها در دست مصدق است، چماقدارانی همچون شعبان بیخ که وابسته به دربار بودند و این کارهایی بود که متعاقب آن تحلیل طبقاتی که گفتم، طبیعی می نمود!

پیام کارگر: شورای متحد کارگران، بعنوان یکی از بزرگترین شکل های سازمانی در آن هنگام منته فقط در سازماندهی جنبش کارگری، حتی در سازماندهی جنبش دهقانان بویژه در شمال نقش داشت. در واقع در آن دوره همسایه بزرگترین شکل کارگری در تاریخ سیاسی میهنمان را داشتیم. آیا جلنگرشا طنزی که ارائه میدادند و تا شیری در رابطه با این سازماندهی و حرکت داشت؟

محجوبی: بله، حسی در میان نویسندگان جلنگرشا رگهایی سا ذوق، زیاده وجود داشت، من خودم کارگری از کارگران کارخانه ای امینان را می شناسم که شعر می گفت و شعرهایش هم در جلنگرشا چاپ می شد، نه تنها اوتعداد دیگری هم بودند که در امینان، که شهر کارگری پر جنب و جوشی بود، با جلنگرشا ر می کردند. اتحادیه هم در امینان فعال بود، من سفر لوبی سایان، نماینده فدراسیون بین المللی کار را که مسئول اتحادیه مبارزانش بوده یاد دارم

و آن استقبال خوب را، اما نقشی که جلنگرشا در این رابطه داشت، توفیق و حاجی با نداشت، اگر هم بود یک نقش حاشیه ای و گذرا بود. جلنگرشا اگر داشت به واقع بدلیل سیاست حزبی اش بود و تماشا با کارکنان. در رابطه با دهقانان هم همینطور، مخصوص در امینان اینها دهی به نام "شیر" بود. روسای لیزه کردن که البته بعد از ۲۸ مرداد قلع و قمع شد، در آن دوره حتی ارباب و ژندارم را زنده بیرون کردند و خودشان ادا رهی در ابدست گرفتند. حتی با ملای ده هم در می افتادند که این کار ساد های نبود. چنین امکان و ارتباطی این امکان را سه جلنگرشا داد که با دهقانان هم ارتباط داشته باشد، هم آن ها برایش بنویسد و هم جلنگرشا آن ها تا شیری بگذارد، این ارتباط در شمال ایران، بدلیل سطح فرهنگی بالاتر و بیشتر و عمیق تر بود. بدلیل روشن فکر تر بودن مردم شمال ایران، در مقایسه با مردم مناطق کویری نیز بسیار است که به آن نمی پردازم. بنا بر این بدلیل وجود شکل های حزبی در کارخانه ها و روستا ها و نیز وجود فعالیت های وسیع حزب، جلنگرشا، که در واقع روزنامه ای حزبی بود در این شکل ها، هم برای مداخله و هم شرکت نیروهای کارگر و دهقان و تفکر کارگری و دهقانی در انتشارش بی بهره نبود.

پیام کارگر: خب، رسیده بودیم به ۲۸ مرداد.

منوچهر محجوبی: بعد از ۲۸ مرداد در واقع دیگر طنزی وجود نداشت طبیعی بود دیگر تا توراها همیشه نخستین کارشان خفه کردن طنز نویسیا بوده و هست. اما طنز نویسیا که اول کن نبودند، اولین قربانیان بودند، اما اولین آغ ساز کننده ها هم بودند. بلافاصله بعد از ۲۸ مرداد "حسن صدر" "قیام ایران" را در آورد (که ریوی به قیام ایرانی که فعلاً در میانه ندارد). "فرشید"، که تا امروز ما ش را فراموش کردم، هم روزنامه ای در میاورد، درست زمانی که کودتا هنوز تا زمان خودش رانداشت.

"قیام ایران" را کاریکا توراها پیش معروفش کرده بود تا جایی که روزنامه ۲ ریالی گاه به قیمت ۱۰۰ تومان هم خرید و فروش میشد. یکی دوتا کاریکا توراها های خوش را به یاد دارم. یکی از آنها امینی را در حال ملاقات با "پیچ" نشان میداد، ملاقات و مژاگره ای در باره کنسرسیوم در قالب ملی شدن صنعت نفت. کاریکا توریست چهار چوبی کشیده بود که بالای آن نوشته بود "قانون ملی شدن صنعت نفت ایران". اما میخواستند طوماری را در این چارچوب جا بدهند که طلا در چارچوب جا نمیگرفت و از این وروا نورش بیرون میزد و بالاخره هم چارچوب را شکستند و طومار روی آن جا دادند و میگفتند "حالا درست شد". و کاریکا تورا دیگر که احتمالاً کار "بهرامی" بود، درختی بود بناام "ملت ایران" شا به هم "صنعت نفت ایران" دورا بین درخت یک پیچک پیچیده بود، روی آن نوشته شده بود "پیچ مین الدوله". در واقع پیچ امین الدوله اسم سیاسی است که می شناسیم اما منظور کاریکا توریست این بود که این پیچ در واقع پیچ "امینی" و "پیچ" است، این روزنامه فقط ۴ شماره در آمد.

کودتا در واقع همه صداها را خفه کرد و بعد هم ساواک بوجود آمد. روزنامه هاشی در میا مدما حرفی نمی زدند و رژیم هم نمی گذاشت حرفی بزنند، مثل "نا هید" یزدان"، "لوطی" و... فکر میکنم اسفند ۱۳۲۷ روزنامه "توفیق" در آمد، البته این روزنامه مستیاً ز توفیق رانداشت. چونکه حسن توفیق رفته بود اما مستیاً ز روزنامه ای بناام فکا هی را گرفته بود، اما روزنامه آرمی شیه به نوشته توفیق داشت و آیه ای که در واقع روی توفیق تکرار میشد "من الله توفیق و علیه تکلم" از این روزنامه استقبال خوبی به عمل آمد. با تیراژی حدوده هزاره برای این دوره خوب بود. و این تیراژ یک روزنامه طنز در آن دوره خوب بود. ما هم ذوق کردیم و با آن شروع به کار کردیم و به تدریج دور هم جمع شدیم. بعدها از آن بیرون آمدیم، ظاهراً بخاطر اختلاف سلیقه، اما پشت آن نیز یک مقدار مسائل سیاسی نیز مطرح بود، چرا که نوعی سانسور شخصی هم آنجا اعمال میشد. روزنامه مقبل از بیرون آمدن نسخه ای هم در اختیار ساواک قرار میداد و ساواک اگر با مطلبی مخالفت میکرد میباید آن مطلب حذف میشد. البته زرننگی ها هم، مثل نشان دادن سانسور در کار رسود، اما ما ساواک هم از اینکه مردم بفهمند سانسور در کار است بیسی نداشت. ملاحظه می که هم در روزنامه که بیان ستون "غلطها"، زیاده ای را داشتیم را جمع به سانسور هر چه می نوشتیم چاپ میشد، اما در مورد مسائل جامعه اگر چیزی می نوشتیم سانسور میشد. شا یدهم عمدی این کار را میکردند تا

که در سپیدوسیا ه سخنان علی ونهج البلاغه را مینوشت وترجمه میکرد. از این جماعت "ما دق" نامی هم بود که مجله "فکا هیون" را با حمایت رژیم جمهوری اسلامی در میاورد. با آخوندها هم سرسری دارد. علیرغم ذوق کبی که ما دقسی دارد، مجله اش بسیار نازل است، تیراژ محدودش هم نشان دیگرست، اما بهر حال خرج خودش ودوروبرهایش را در میاورد. دلش هم خوش است که از "آدینسه" تیراژش بیشتر است.

نکته ای که بد نیست اینجا اثاره کنماشا ره به سنتی ست که "دهخدا" گذاشت اودر مجله جدی، ستون طنزگذاشت وطنزرا از انحصار، فقط وفقط روزنامه های طنزبیرون آورد. تلاش توفیق هم برای سذکردن این راهی فایده بود. من در "مجله نگین" اینکارا کردم، توفیق همه به "عنایت" گفته بود من طنزها را از مجله امیدزم. عنایت هم گفته بودا وتا چندماه قبل سردبیر روزنامه توبود آن موقع طنزهایش را از کجا میدزدید؟ سنت نوشتن طنز در روزنامه ها و مجله های جدی شروعش با "خروشها"ی "در مجله خواندنی" ها، یا اشتها ردی در مجله روشنگر بود، اما این سبک کار نوعی ضدیت با ادبیات مدرن هم بسا خودش داشت. مثلثا ملورا بعنوان نا عر موفق روز نمیشناخت، اینگونه ذهن در واقع هیچگونه تحولی را نمیبذیرفت. بعدها "ها دی خرسندی" در روزنامه اطلاعات وخودم در روزنامه کیهان ستون های با زکردیم که موفقیتشان بیشتر از موفقیت ما ن در توفیق بود. حداقل این بود که نوشته ها به اسم خود ما ن بودوبه حساب توفیق گذاشته نمیشد و مردم نمیکفتند فلان چیز را در توفیق خواندند. در واقع توفیق به این شکل به شخصیت نویسنده ضربه میزد. صغرا و کبرا چیدنیایشان هم برای اسم مستعار داشتن بیپوده بود چون "گمه" ما را به ساوا که داده بود. این وضع بیشتر تنگ نظری آنها ناشی میشد.

از آن جمع قدیم، بعد از انقلاب ویا روشن تر شدن گراشها برخی با آهنگر شروع بکار کردند و برخی هم با روزنامه ها جی با "ا. ازمان" جمع بعد از ۲۸ مرداد برخی به زندان رفتند، برخی هم فراری شدند و در گوشه و کنا را ایران با نام مستعار به کار روزندگی مشغول شدند، برخی هم مثل "افراشته" که به بلخا رستان مهاجرت کرد، به خارج رفتند، از میان فراریان در داخل سنگری" بود. او را ننده کا بیون بودوبعد از ۲۸ مرداد هم دوباره به همان کار برگشت. ابوترا ب جلی و پرویز خطیبی هم به زندان افتادند و "محمد امین محمدی" که قلم نویس هم بود و یکی دوتا مجموعه داستان از او به چاپ رسید، سکوت اختیار کرد و برخی هم مثل جلی کارش به انتشا روزنامه "عبرت" کشیده شد. خلاصه غیر فعالها از فعالها بیشتر بودند. در میان فعالها، همین سنگری بود و آدمهای مشکوکی مثل "نوح"، البته نوح مدتی هم زندان بود و وقتی هم ولش کردند منظومه "گرگ مجروح" گفت، که بعدا بمورت پا ورقتی در آهنگر چاپ شد. کارهای سنگری را هم چاپ میکردیم. با نامهای مستعاری مثل "سنگی". اما بهرحال "نوح" گویا خیرها را به دستگایها میرساند.

این سنگری، زندگیش قصه بزرگی است. طنز مینوشت و راننده کامیون بود، او را تاش نمیکشست به همین خاطر سراغ انگلیسی خواندن رفت و شاگرد اول کلاسهای انجمن ایران و امریکا شد. او دنبال کار بهتری میگشت، که بالاخره توی آگهیها جا شرا پیدا کرد که به راننده انگلیسی دان احتیاج داشت وقتی سنگری به محل مذکور رفت، بی برده که آن یکی از دفا ترسا واک است و راننده برای ساواک میخواستند. و خلاصه بهر کلکی بود، خودش را از شر آن هاس نجات داد. بعدا هم توی یک شرکت نامهران و بسته رسان شد. در راه بطنه بسا همین کار در یکی از سفرهایش تصادف کرد و پایش شکست، این او را خیلی آزار داد. او ملا و آدم بدبیا ری بود و همین بدشانسیهایش آدم را تا پای خرافاتی شدن میکشاند. او همین ۴ سال پیش به علت ابتلا به بیماری کلیوی درگذشت پسرش پیش از مرگ برای نجاتش خیلی تلاش کرد، اما بی نتیجه ماند. او "کلیه ای" در ایالت لیا پیدا کرده بود اما جمهوری اسلامی به سنگری اجازه خروج نداد. آنجا گفته بودند این همه جوان توی جبهه کشته میشود بگذا ریک پیر مرد هم توی کشور بمیرد. در هر حال سنگری تفکر ویژه خودش را داشت که در آتش هم منعکس است.

بهرحال در گذشته هم گرایشهای دیگری بودند که از طنز فقط "خوشمزگی"

در مردم نوعی ترس از سانسور وجود آورد، ونوعی خود سانسوری سوجد آوردند توفیق وقتی مطلبی از آن سانسور میشد جای آن کار سابه میگذاشت، که هر چه میگشتی چیزی آنجا نمیدیدی، جز کار سابه. مردم فکر میکردند که چیزی چاپ شده روی آن سابه کرده اند و حتی تلاش میکردند مطلب زیرتخته سابه را زیر نور بخواهند.

بهرحال توفیق محملی شد که طنز نویسها دور هم جمع شوند، اما توفیق تلاش میکرد انحصاری سانسور روزنامه طنز دیگری در نیاید. از جمله پرویز خطیبی تلاش کرد روزنامه "حاجی بابا" را در آورده که اینها مانع شدند بهرحال نوعی سنگ نظری و انحصار طلبی هم در آن ها عمل میکرد. این جماعت که در ازای ماهی ۱۰۰ تومان به محمد علی توفیق امتیاز او را گرفته بودند، بعدها به پسر حسین، که به حسین طلا معروف بود فقط ماهی ۲ تومان میدادند، میلیونر شدند و حالا نیز در امریکا زندگی مرفهی دارند. آن ها در دوران انقلاب هم کاری نکردند، فرصت طلبانه نشستنند که بسینند ما بیرون میاشیم نه، و بعد سرکوب شدن ما را بسینند و جاهای ویا زیرای خودشان، مذاکراتی هم با "بنی صدر" داشتند تا از امکانات او استفاده کنند و توفیق را در سانسورند. پیام کارگر: شما از انحصار طلبی و تنگ نظری دست اندر کاران روزنامه توفیق گفتید، آیا سیاست رژیم هم این نبود که فقط یک روزنامه طنز در سانسورید که او بتوا ندهی بهتر میاش کنده؟ در ضمن در مورد گرایشهای سیاسی مختلف درون توفیق هم، اگر امکان دارد برابمان بگو.

مجبوبی: در آن هنگام، سانسورانی که روزنامه توفیق را میگردانند، خودشان، مهاجران دست رژیم بودند و مقربین دستگا بودند، در واقع افسار روزنامه ما دست این جماعت بود. اگر هم چیزی از دستشان در میرفت و ساواک میفهمید فوراً نویسنده مطلب را به ساواک لومیدادند. در مورد من که این کار را کردند. وقتی سرهنگ سعادت مند "مسئول مطبوعات ساواک سراغ من فرستاد... پرونده ای که برای بررسی آورد، تمامی روزنامه های توفیق درونش بود. از اسم واقعی کسانی که با نام مستعار چیز مینوشتند هم خبر دادند. آنها حتی کتاب چاپ کردن ما را هم خبر داده بودند و مانع چاپ وانتشار آن شدند. طبیعی هم بود که بتوا نند مانع شوند، چون با دستگا و رابطه ای نزدیک داشتند و در همه جا حتی دادگستری هم پرنفوذ بودند.

ما برای کتاب هم این بود که ما وقتی از روزنامه توفیق بیرون آمدیم، در فکر در آوردن روزنامه بودیم، اما با مشکل امتیاز موا جه بودیم. بنا بر این فکر کردیم کتاب منتشر کنیم و نام سلسله انتشاراتمان را هم "حاجی فیروز" سگزاریم، در این مورد تسلیم هم کردیم. ساواک به جای خانه ای که نام و مکانش را به کسی نگفته بودیم، ریخت و کتاب را ضبط کرد. بهرحال آنها ایالتی نداشتند از اینکه سانسور دهند که ساواک و شپراسانی عامل حرای منویات آنها است. ما بعدا مسئله را در روزنامه ما طرح کردیم و حتی در "تهران محور" هم مقاله ای در دفاع از ما نوشته شد، اما فایده ای نداشت.

گرایشهای دیگری هم بود، اما بهرحال مردم طنز نویسان را در واقع ابوزیسیون رژیم میدانستند. گرایش چپ سوده بیشتر بدلیل فوراً ید تولو-ژیکشان مشخص میشدند، سانسورین هم بودند که شناسنامه مشخصی در این رابطه نداشتند، اما بعد از انقلاب گرایشها مشخص تر شد. در واقع انقلاب به آن گرایشها صراحت بخشید.

در آن دوره مثلاً "ابوالقاسم حالت" یک تفکر نیمه مذهبی داشت همراه با محافظه کاریهای خاص خودش. "ابوترا ب جلی" توده ای بود و زندان رفته که سردبیر روزنامه "عبرت" هم شد. بعدها روبره غزلیات عاشقانه آورد و وقتی هم با دوباره توی راه گذاشت مثل گرگ با ران دیده، یا ما رگزیده، از ریسمان سابه و سفید میترسید. هم خود سانسوری و هم احساس گناه در او شدید عمل میکرد. او در سالهای ۳۲ در کتابهای "ابراهیم" و "موسی"، که ظاهراً مذهبی بودند حرفهایش را زده بود، کتابهای فوق العاده بود، اما بعد از انقلاب "کتاب علی" را نوشت که صرفاً مذهبی بود و اولاسی سمبلیک نبود. البته من خود در جا معای که مردمش آن اند؛ زهد گرگ و مذهب بوده و هستند استفا ده از سمبلیهای مذهبی را برای بیان مسائل نمیبندم، اما خب تیپهای مذهبی و نیمه مذهبی هم در کنارمان بودند، البته به ابوالقاسم حالت هم اشاره کردم.

همبستگی در دام

بدون چشم انداز یک برنامہ

دیویدا یگنا توس

اکنون که همگی سرکمونیم بیروشد است، در مقابل سؤال همگینی قرار گرفتیم است: آیا این اتحادیه آزاد که پایه اش در صنایع سنگین روه زوال لیستان قرار دارد، آماده است دبسنین سخت سرمایه داران را سدبورد؟ زیاد مطمئن نشد.

سؤال فوق را می توان مشابه مشکلی دانست که ها رولودویلمون رهبریدفرحام حزب کارگر در او خرده همت در مقابل خود داشت، یعنی مسوار بود که اقتصاد سیما را انگلستان را توسط یک انقلاب تکنولوژیک "داغ" مدرنیزه کند، وی ما قانر نشد که برپا به های حزش در صنایع بزرگ ملی شده مثل ذغال سنگ، فولاد، حمل و نقل و توموبیل سازی، غله کند، انقلاب با زار آزادی که انگلستان به آن احتیاج داشت برای یک دولت حزب کارگرش از اندازه "داغ" بود و اتحادم آن از عهده مارگرت تا جریمی مدکه توانست سنگ سنگین را ازجا ببرد. تجربه حزب کارگر انگلستان می تواند درس های مفید و لونیگران کننده ای برای نخست وزیر جدید لیستان تا دیروزما زویسکی داشته باشد. زیرا بر سر تنگنا های انگشت می گذارد که دره سال گذشته در اروپای غربی برای همه آشکار شده است: یک دولت کارگری برای تدقیق در اجرای برنامہ های خود به حمایت سرمایه داران نیاز دارد و بهترین راه کسب چنین حمایتی عبارت است از محدود نمودن درخواسته های انتخاب کنندگان حزب، یعنی کارگران.

"در مقابل همبستگی همه جا دام وجود دارد" این نظر دیوید کم، اقتصاد دان نیاز نیستوی مطالعات امنیت شرق و غرب در نیویورک است. وی اینطور ادامه می دهد: همبستگی می با بد ساخت اقتصاد را دگرگون کننده نحوی که صنایع سنگین به صنایع سبک و صنایع دولتی به بخش خصوصی تغییر یابند. این روند، با زیدگان و برندگان خواهد داشت، کارگران و صنایع سنگین - یعنی پایه اجتماعی و سیاسی همبستگی - در میان با زندگان قسار خواهد داشت. اینکه همبستگی چگونه از پس این مشکل برخورد آمدبیرمن روشن نیست.

اکنون به هر حال همبستگی دست به کار نشده است. آنچه که در اوایلین روزهای حکومت دولتی لیستان به چشم می خورد، فقدان هرگونه علائم روشن از سوی ما زویسکی و مشاوران اقتصاد ویدر باره اینکه آنها مشخا چگونه عمل خواهند کرد است. حرفهای میهم زیادی درباره خصوصی کردن و اقتصاد با زار آزادیه میان آمده است، اما برنامہ عمل روشنی وجود ندارد. آقای بارتلوسزکا مینسکی، استاد با رعلوم

ترجمه از گاردین هفتگی سوم ستامبر

سیاسی دانشگاه برلین که در سال ۱۹۸۰ لیستان را ترک گفت می گوید: "من فکر نمی کنم که برنامہ ای وجود دارد، در جریان مذاکرات میزگرد، من از اقتصاد دانان همبستگی سؤال کردم که آیا برنامہ ای دارند؟ آنها حتی برای بحث در این مورد اگراه داشتند. این مسئله تا حدی روانی است آنها و اتفاقا انتظار رندا شتند که ما چنین سرعتی، فرصت (حکومت کردن) را بدست آورند."

آشتگی اصلاح طلبان وقتی قابل فهم می شود که ما به انبوه مسائلی که در مقابل لیستان قرار دارند توجه کنیم. اردوی همبستگی بین دو جنبه بزرگ از اقتصاد دانان تقسیم شده است: یک گروه از اقتصاد دانان "سوسالیست" که طرفداران اقداماتی مثل خود مدیریت کارگری هستند، گروه دیگر اقتصاد دانان "لسرال" که خواهان نگار گرفتن سریع وقایع نیروهای با زار آزادی می باشند. اما کدامیک از این اقتصاد دانان این خبر ناگوار را به لحوالا خواهد رساند که یکی از سنگا میسای فرتوتی که در بارها از رجان می نویسد، بقاقت کند، کشتی بازی لنس در کدانگ - محل تولد همبستگی است؟

برای اینکه معنای ما تلاق اقتصاد می گن لیستان در آن قرار دارد روشن شود، به یک مسئله ظاهرا ساده یعنی اندازه اقتصاد لیستان (با سه زبان اقتصادی "سولدا حال می" توجه کنیم تولید ناخالص ملی لیستان در سال گذشته معادل ۳۰ تریلیون زولوتی بود. مبلغی معادل ۶۸ بیلیون دلار به نرخ رسمی، نرخ رسمی اما همانطور که همه تصدیق می کنند، قلاسی است به نرخ بازار آزاد با زارسیاه. مبلغ فوق ۱۵ بیلیون دلار تقلیل می یابد، کمتر از نصف تولید ناخالص ملی منطقه کلمبیا (در آمریکا است، اما عجله نکنید! این رقم ۱۵ بیلیارد دلاری نیز قلابی است زیرا سستم قیمت گذاری سوسیده شده و قلب شده ای که در لیستان نگار گرفته می شود، ارزش (اقتصادی) واقعی کالاها را کمتر از حواقی نشان می دهد. اگر اصلاحات لازم را انجام دهیم، مبلغ واقعی چیزی بین ۱۰ و ۱۶ بیلیون دلار خواهد بود (ضمنا این محاسبات به همراه سایر اطلاعات و ارقام در این مقاله توسط یک متخصص آمریکایی اقتصاد لیستان استخراج شده اند.)

در پشت ارقام فوق، سیستم اقتصادی قرار دارد که به علت سوبدیریت کمونیستی از فرم راج شده و سالها وقت لازم دارد تا اصلاح شود. مثلا بودجه لیستان را اگر مورد توجه قرار دهیم و شش می شود که بر طبق جلسه اقتصاد دانان غربی، لیستان حدود ۱۰٪

تولید ناخالص ملی خود را صرف سوبسید برای پائین نگه داشتن قیمت کالاهای مصرفی می کند. در سال گذشته بودجه دولتی که بدلیل فوق متورم بود، معادل ۲٪ تولید ناخالص ملی، کسری داشت. این کسری در سال جاری سه بار چها برخواهد شد.

نرخ بهره بانکی را مورد توجه قرار دهیم، بانک مرکزی در سال گذشته، نرخ مزبور را ۴۴٪ انتخاب نمود. این رقم ظاهرا خیلی بالاست، اما توجه کنیم که نرخ تورم در سال گذشته ۷۴٪ بود. در حال حاضر نرخ بهره بانکی بین ۶۵٪ و ۸۰ درصد نرخ تورم ۱۵۰ درصد است!

غما نگیز ترا زهمه دستمزدها ست که ما استانداری شدت نا زلند. یک کارگر مستوجا تدر لیستان ما هیا نه ۹۰۰۰۰ زولوتی حقوق می گیرد. به نرخ بازار سیاه معادل ۱۲ دلار در ماه، تقریبا هفت سنت در ساعت حتی اگر مزایای اجتماعی را اضافه کنیم. بر طبق اظهار نظر یان وائوس از شرکت "پلس اکان"، "دستمزدگان کارگر ما هر حدود نیم دلار در ساعت خواهد بود

آنچه که گفته شد در عمل بدین معنی است که تسایه معنی که اقتصاد لیستان ریشیت شده است، نشاندهنده های مثل خصوصی کردن و با زار سرمایه سازی کرد. مثلا اگر شما بخوا هید ما مسئله خصوصی کردن یک سنگا تولیدی در لیستان از نزدیک آشنا شوید، ما این مسائل عملی رو برو خوا هید بود: این سنگا به چه کسی تعلق دارد؟ (در لیستان سوسیالیستی این سؤال پاسخ روشنی ندارد.)، ارزش آن را چگونه سز آورد می کنید؟

بر طبق نظریه اقتصاد دانان، اگر شما سرمایه می روید، بهتر است آن را در یک اوضاع ایستاد تمام دهید، اوضاعی که در آن قیمت ها جت و خیز می کنند، ما دله آزاد و خود را در قیمت های بازار جهانی را همنای شماست. لیستان در حال حاضر هیچک از مشخات بر سر مرده شده را ندارد.

مشکلات انتقال وقتی برای اقتصاد ما بدین همبستگی آقای توماس استا نکیویتز که بر فوسور دانشگاه وروشا ست روشن شده وی در یک کنفرانس راجع به چگونگی ایجاد با زار سرمایه (در لیستان) در دانشگاه و جورج واشینگتن شرکت نمود. پس از شنیدن سخنرانیهای به دوستی گفت که ظاهرا لیستان در استاد اگر بخوا هدیک با زار سرمایه واقعی ایجا دگند، در استاد بیشتر به مجموعه جدیدی از حاسبا داران و ممیزان احتیاج خواهد داشت تا سرمایه گذاران و بورس بازان، این البته بسیار پیچیده خواهد بود، "اظهار نظری است که دوست مزبور، آقای کامینسکی از وی نقل می کند.

پاسخ همبستگی به آشتگی های اقتصاد لیستان، مشابه پاسخی است که شما از یک حزب کارگر انتظار دارید. تلاش برای دفاع از منافع کارگران از طریق طرح درخواست متوسط شدن دستمزدها قیمت ها، قیمت های که در حال افزایش سریع می باشند، حتی حرفهای درباره تقسیم مساوی فداکاری، "قرار داد اجتماعی" و غیره در میان است که به نحو غما نگیزی یاد آورنده های حزب کارگر در دهه هفتاد می باشند.

سوریه و نیز آینده آوارگان فلسطینی در این کشور، توافق صورت نگرفته است.

مالزی

اجلاس سران کشورهای مشترک المنافع که در کوالالامپور تشکیل شد، نتوانست به دلیل مخالفت انگلستان، موضوع یکپارچه‌ای سرعیه دولتی نژادپرست آفریقای جنوبی اتخاذ کند. در حالیکه رهبران کشورهای بزرگ عضو جامعه مزبور نظیر هند، استرالیا و کانادا خواهان مخالفت با اقتضای آفریقای جنوبی بودند، دولت انگلستان هرگونه فشار اقتصادی را در جهت عکس اقدامات و مانورهای دکلارک رئیس جمهور جدید آفریقای جنوبی دانسته و آنرا رد کرد.

شیلی

بینوشه دیکتا تور در حال نزول شیلی در یک سخنرانی گفت که اگر یکبار دیگر کمونیسم خطری متوجه "سرزمین پدری" وی بگردد، دوباره به کودتا دست خواهد زد. وی همچنین به سیاستمداران شیلی که در آینده سرشیلی حکومت خواهند کرد، اظهار تامل کرد که در آینده سرشیلی حکومت خواهند کرد. او اظهار کرد که در آینده سرشیلی حکومت خواهند کرد.

پرتغال

اجلاس وزرای دفاع ناتو در پرتغال، پیشنهاد وزیر خارجه شوروی در مورد برچیدن بیسهای نظامی را رد کرد و ادا مهیات آنها را به عنوان عامل مهمی در ثبات بین المللی قلمداد کرد. در این اجلاس همچنین از شوروی خواسته شد که تعدادی از موشکهای برد کوتاه خود را در اروپا برچیند و تعداد آنها را تا معادل مقدار مشابه ناتو کاهش دهد. بر طبق گزارشات دیگری، شوروی تصمیم دارد که در پنج سال آینده تولید تاکتیک را به مقدار ۵۰ درصد کاهش دهد.

آلمان دمکراتیک

با گذر رهگیری ارایش هونگر رهبر حزب دولت آلمان دمکراتیک و اشغال گون گرنس به جای وی، شیوه برخورد رهبری این کشور با بحران سیاسی جاری در آن، چرخش جدی را نشان میدهد. به گفته ناظران سیاسی، آلمان دمکراتیک در مدت کوتاهی از خسته کننده ترین به جای لیبرترین و دینا-میترین کشور دنیا در حال تحول است. املاحاتی که دولت این کشور در مدنظر دارد عبارتند از: بلحاظ سیاسی دخالت دادن گرایشات سیاسی مدافع قانون اساسی در ادا ره کشور، تحکیم قانونیت سوسیالیستی، اعطای آزادی مسافرت به شهروندان و ارتقا نقش مسمن مطبوعات. در عین حال رهبران حزبی تا شید میکتند که در مقابل سرعت تحولاتی که به کناره گیری هونگر منجر شد تا فلک گیر شده اند و به این دلیل است که هنوز در موضع تدفعی قرار دارند.

در لهستان کدا مند؟ پاسخ داد: ما اوضاع بسیار کشورها را تعیین نمیکنیم. وی همچنین نخست وزیر جدید لهستان را رسماً به دیدار از شوروی دعوت نمود.

مجارستان

با سخنرانی ماتیاس ژورس رئیس پارلمان مجارستان، "دوره تاریخی نویسی" در مجارستان شروع شد. این "دوره تاریخی" عبارت است از اعلام جمهوری و پایان دادن رسمی به "جمهوری خلق مجارستان" ایجاد یک جمهوری مستقل مجار که در آن "ارزشهای دمکراسی بورژوازی و سوسیالیسم دمکراتیک" به نفع مردم تا کنون برقرار گرفته و به نقش رهبری حزب کمونیست پایان داده میشود. اعلام جمهوری مجارستان آخرین گام در سیر قهرانی است که حزب حاکم این کشور برای تصفیه حساب با گذشته خود برمیدارد.

لبنان

اجلاس نمایندگان پارلمان لبنان در شهر طایف عربستان سعودی، اسدی را تحت عنوان "تفاهم ملی" به تصویب رساند که حتماً در آواز روند با زنگشت آرایش به کشور آتش زده لبنان باشد. در این سند که یکبار دیگر بر اساس تقسیم قدرت بین فرقه‌های مذهبی تنظیم شده است، مسیحیان قدرت کمتری در مقابل مسلمانان خواهند داشت. علاوه بر این مسئله نیروهای

رسمی‌های باسای مالی و بودجه‌ای شروع کنند، رفرمی‌هایی که تورم را مهار و قیمت‌های قلمداد شده را اصلاح نموده و به قرارداد اجتماعی "حد اقل کمی" ناسن موفقیت دهد.

بر طبق استدلال یارواسوس، آنچه که لهستان واقعاً نیاز دارد، یک کارزار تبلیغاتی است که فقر و استیصال وی را بعنوان مزیت معرفی کند، چیزی مثل جمله زیر: "آیا کشوری را در مرکز اروپا می‌شناسید که در آن دستمزدها سنت در ساعت است، کشوری که کمی‌های خارجی مثل تمام مالیات نمی‌پردازند؟ آیا وقت آن نرسیده است که لهستان جدید را کشف کنید؟"

عنوان یک مبنای مهم داریم. این نظرها "مانفرد استولپه" معاون صدراعظم کلیسای پروتستان نیزیلیا کرده است. این اتفاق نظر شامل گروه‌های اپوزیسیون نیز میشود.

س: از نظر شما روند املاحات جاری در آلمان دمکراتیک، غیر قابل بازگشت است؟ هراس از اینکه راه‌حلهایی مثل حوادث پکن در کشور شما پیدا شود، تا چه حد موجه است؟

ج: حزب من معتقد است که تمام مسائل کشور کم نیستند. را میبوان و با ایده‌های سوسیالی حل کرد. در مقابل این راه‌حل، هیچگونه آلترناتیو وجود ندارد.

فنلاند.

در دیدار ریخا گورباچف از فنلاند، وی اعلام نمود که شوروی تا سال آینده تعدادی از زیر دریا، های اتم، خود و نیز کلاهکهای آنها را سر خواهد جدید. گورباچف همچنین پیشنهاد کرد که در مناطق شمالی شوروی و در مجموعه راه‌های آبی دریای بالتیک - دریای شمال که مرزهای اروپا با کشورهای اسکاندیناوی را تشکیل می‌دهند، یک منطقه بزرگ غیر نظامی و غیر هسته‌ای ایجاد شود. در حالت اخیر شوروی حاضر است سلاحهای اتمی موجود در شمال این کشور را به داخل خاک شوروی انتقال دهد. از سوی دیگر در کناره‌های یک بیابان مشترک که در آن بیطرفی فنلاند از سوی شوروی مورد تاکید قرار گرفته است، توافقات زیادی در زمینه اقتصاد و یک رشته اقدامات را دیگال برای بهبود محیط زیست در مرزهای مشترک دو کشور صورت گرفته است.

لهستان

ادوارد شوارتا دزه وزیر خارجه شوروی در دیدار خود از لهستان با رهبران دولت جدید و نیز با راکوفسکی دبیر اول حزب متحد کارگران لهستان ملاقات کرد. وی اظهار داشت که اتحاد شوروی خواهان حفظ روابط دوستانه با کمونیستها و نیز با دولت جدید لهستان میباشد. وی هرگونه دخالت آتی شوروی در امور داخلی لهستان و هر کشور دیگری را رد کرد و در مقابل این پرسش که: "از نظر شوروی مرزهای تغییرات مجاز

همبستگی در دام

ادامه از صفحه ۹

استه واضح است که با ایداه لهستانی که در دوره انتقال از یک رژیم کمونیستی به کفایت که توسط مسکو برآید تحمیل شده است، سرمایه‌های حمایت نمود، اما بسیاری از اقتصاددانان غیر لهستانی نگران سرمایه همبستگی برای ربط دادن دستمزدها به قیمت‌ها می‌باشند که تنها به تشدید افزایش ماریجی قیمت‌ها و دستمزدها منجر می‌شود. استدلال آنها این است که دولت باید

نوسازی در آلمان

ادامه از صفحه ۸

قابل تصور نیست. به جز این مرز، مقصود من از اتفاق آراء این نیست که کسی را کنار بگذاریم. ما نمیخواهیم یک جامعه نخبگان ایجاد کنیم. در سوسیالیسم برای همه انسانهای خلق، ساکنان، منتقدان وجود دارد.

س: حزب شما چقدر زمان در اختیار دارد؟
ج: بدون اینکه بخواهم مسئله زمان را کم اهمیت جلوه‌دهم، باید بگویم که من بدبین نیستم؛ زیرا تصور میکنم که ما یک اتفاق نظر سوسیالیستی به

خودکشی پناهنده ایرانی: بدلیل اخراج از آلمان

اسپانیا شده و با سپورت و اجازت دریافت کرده بود، اما اجباراً برای کمک به اعضای خانواده اش که به بیگانه گستان پناهنده شده بودند، به آنجا مسافرت کرده و پس از سرکشت پناهنده گئی اش باطل شده بود و در این مدت علیرغم تلاش و کوشش قادر به دریافت مجدد پناهنده گئی نگردیده بود.

کانون پناهنده گان سیاسی شهرها نوفر در آلمان فدرال طی اطلاعیه ای اعلام کرد که پناهنده ایرانی مجتبی شتاج روز ۲۶ سپتامبر در حالیکه پلیس او را بقصد اخراج بازداشت و بسرای جمع آوری انا تبه منزلش آورده بود با برتساب خود از طبقه هشتم آرتان به زندگی برآورد و رنج خود را تمه داد. وی در سال ۱۹۸۲ پناهنده

شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

برزندانیان بویژه زندان زن، توضیحاتی بجه شرکت کنندگان در مراسم داده و از زمانهای سیاسی خواست که اقدامات جدی در دفاع از زندانیان دست بزنند. در طی مراسم سرود و شعار مقاومت خوانده شد و پیاپی کمیته برگزارکننده قرائت گردید.

کانون دفاع از زندانیان سیاسی - هانوفر روز ۲۱ اکتبر برای همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران و افشای جنایات رژیم مراسمی را برگزار کرد. در این مراسم که حدود ۲۰۰ نفر از پناهنده گان ایرانی مقیم شهر شرکت کرده بودند، یک زن زندانی سیاسی رژیم جمهوری اسلامی محبت کرد و در مورد فشارها و وضعیت فدیشری حاکم

دولت رفسنجانی

ادامه از صفحه ۲

یک جنبش خاص از سطح بازار، اقدامی کا طاهما هنگ توسط یک تشکیلات است. آیا کشف این تشکیلات و فروپاشی آن مشکل تراز فروپاشی تشکیلات منافقین با تشکیلات جاسوسی سیا در ایران است؟ در اینجا سوالی که مطرح میشود این است که آیا کشف اینها رنجود مشکل تراست یا "انبار اسلحه"؟

آیا کارگران و زحمت کشان مردم گرسنه کشورمان بیش از این تحمل خواهند کرد؟ و بحای دولت رفسنجانی یا سدار سرمایه داران خود را دست بکار نخواهند شد؟

تروویست های رژیم

ادامه از صفحه ۱

فربیب خورده برداخته و از آنها بعنوان مترجم، اطلاعات و امکاناتی را برای کشف محل کار و سکونت ایرانیان دریافت میکنند. در ایسن اطلاعیه به همکاران پناهنده حزب الهی تسای تروویست، هشدار داده شد که از همکاری با آنها دست بردارند و پناهنده گان توصیه شده است که هرگونه اطلاعیه را که در مورد این مرکز تروویستی کسب میکنند؛ فشا نمائند، آنان همچنین از دولت کا نا دا اخراج این عده را خوا ستار شده اند.

جامعه ای مثل جامعه ما چندان موفق نخواهد بود فقط برای آدمهای حرفه خوب است که بخوانند و بیخندند.

قصدمن وارد شدن در زمینه "کتاب نسبت بیشتر در زمینه طنز و روزنامه نویسی ما بلم مکت کنم. حتی پزشک زادم هم مانگونه که اشاره کردم، تسوی مجلات مینوشت، آنهمه روی مسائل اجتماعی، بیشتر روی رابطه های خاص مناروی "ابراهیم صهبیا" تا کید داشت، در حالیکه "ابراهیم صهبیا" اصلا مطرح نبود، آدم مدیحه گوئی که هر جا میرفت شورتا یب شده ای از جیبش در میاورد و ادعا میکرد که شعر را فی البداهه سروده است. بهر حال از جوشمیشهای مورد استفاده پزشک زادم بود.

ادامه دارد

خودکشی دو پناهنده اخراجی کرد و راهپیمایی اعتراضی

دولت مرتجع خامنجا در انگلستان تعدادی از کردهای ترکیه را که به این کشور پناهنده شده بودند به ترکیه بازگرداند. به همین دلیل دو تن از آنان که پناهنده گیشان مورد قبول واقع نشده بود، برای اعتراض به استرداد خود دست به خود سوزی زدند تا بلکه شعله های جسم و جان سوزانشان، تاریکی از چشم بشریت برآید. در این عمل اعتراضی یکی از آنها جان خود را از دست داد و دیگری بحالت وخیم در بیمارستان بستری است. بهمن دلیل ۱۶۰۰ نفر از کردهای مقیم انگلستان بهمراه برخی از نیروهای مترقی انگلیسی و ایرانی از جمله رفقای سازمان ما یک راهپیمایی بزرگ اعتراضی ترتیب دادند و علیه استرداد و اخراج پناهنده گان از انگلیس و سایر کشورها فریاد برداشتند.

روابط بین المللی ماه

ادامه از صفحه ۳

آنها در مبادرت با بران است. وجه دیگر ما به این مربوط میشود که آنها به رابطه کمیته همبستگی سازمانهای سیاسی اطمینان ندارند و تردید و سو ظن، از سیاستهای احتمالی هراس دارند. این تردیدها صرف نظارا از اینکه جقدر حقانست داشته باشند، تا کنون بعنوان مانع اصلی در شکل گیری جنبش همبستگی با مردم ایران در مشارکت با سازمانهای سیاسی عمل کرده اند.

پاسخ ما به مشکلات فوق کدام است؟ این پاسخ را ما در طرح زیر در باره اهداف کمیته ها و چگونگی شرکت و رابطه ما با آنها گنجانیده و گام اول را مراجعه به افراد مناسب برای تبادل نظر در باره آن تلقی میکنیم:

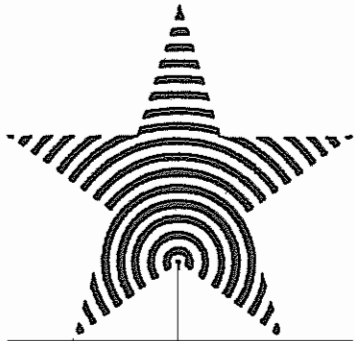
اهداف کمیته های همبستگی: سازماندهی همبستگی با مبارزات مردم ایران و با بخشهای خاصی از مبارزات جاری نظیر مبارزات زندانیان سیاسی و خانواده های آنها، مبارزات زنان خلقها و غیره. ترکیب آنها: از افراد علاقه مندان ایرانی و خارجی که نزدیکیهای فکری و سیاسی برای کار مشترک در از مدت با یکدیگر دارند.

منوچهر محبوبی در

ادامه از صفحه ۷

کردن را میفهمیدند که الان هم هستند.

درمان نامهایی که بر دم من در مورد "ابرج پزشک زادم" صحبت نکردم چرا که او فرم خود را داشت، یعنی بیشتر کتاب مینوشت تا روزنامه نویسی. نویسنده موفقی بود و مخاطبان خاص هم داشت. گاه در مرحله فردوسی هم چیزهایی مینوشت، او طنز سنگینی داشت. من در مصاحبه در باره استفاده او از زسکس به او انتقاد کردم و او ملاحظه میکنم استفاده از زسکس (آنهم تحریک کننده)، در



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگرها

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه ردف ۷۵ متر برابری ۴ مگاهرتز پخش میشود. این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگر ویژه کردستان: ★
* روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت

۶ بعد از ظهر به زبان کردی و قزاسی روی موج کوتاه ردف ۷۵ متر برابری با ۴ مگاهرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.

* جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه تکرار میشود.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

با پیام کارگر همکاری کنید!

برلین غربی: کمیته علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی توسط دولت های کشورها بی که در آنجا این عمل صورت گرفته است.
۳ - مبارزه علیه سیاست عقب نشینی دولتی که در مقابل گروهانگیری های رژیم جمهوری اسلامی، تروریستهای دستگیر شده این رژیم را آزاد می نماید و بدینوسیله تروریسم دولتی این رژیم را ترغیب و تقویت مینماید.
ما موفقیت فعالین کمیته را آرزو میکنیم و از اقدام مثبت آنان با تمام توان پشتیبانی میکنیم.

اطلاعیه ده دسامبر

در ۱۰ دسامبر با تمام توان از زندانیان سیاسی دفاع کنیم

این روز مسئله زندانیان سیاسی را در اسیر برنامه قرار داد.

با نزدیک شدن ۱۰ دسامبر، ما همه تشکلهای دمکراتیک و نیروهای مترقی ایرانی را فرا میخوانیم تا با تدارک لازم برای این روز تحت شعار دفاع از زندانیان سیاسی ایران مبارزه بر توانی را علیه نقض حقوق بشر در ایران انجام دهیم. نیروهای سازمان ما موظفند در هر کجا زمینه این مبارزه جهت بسیج افکار عمومی برای دفاع از زندانیان سیاسی را فراهم کنند.
کمیته خارج از کشور
نوامبر ۱۹۸۹

ده دسامبر روز جهانی حقوق بشر است. ما ایرانیان مهاجر، از کشوری هستیم که در آن مقوله به عنوان حقوق بشر بطور آشکار به رسمیت شناخته نمیشود. مقامات جمهوری اسلامی منشور حقوق بشر را منطبق با قوانین اسلامی نمیدانند. سال گذشته در جریان اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی ایران، مهاجرین ایرانی در روز ۱۰ دسامبر وسیع ترین مبارزه را در دفاع از زندانیان سیاسی انجام دادند که تا شرمه می در افکار عمومی جهان نیز با گذراندن سال نیز میتوان و باید در

انمایشگاه کتاب فرانکفورت

نمایش "حقوق بشر" امپریالیستی!

نیارود.

دولت آلمان فدرال که برای واقعیت های آشکار نقض حقوق بشر چشم میبندد! سال در ادامه نمایش خصومت ها را با سوسیالیسم و کمونیسم، نویسنده معترض چکسلواکی "واچلاو هال" را علم کرد و با آرا که جوایز بریزودرشت به او و نیز بر گزار مراسم متعدد در باره این نویسنده و نقض "حقوق بشر" در چکسلواکی اذعان را بسوی چکسلواکی کشاند، در این میان از سوی نیروهای مترقی ایرانی و آلمان فدرال نیز تلاشهایی برای افشای جمهوری اسلامی صورت گرفت اما در برابر آنچه که دولت آلمان فدرال کرد تلاشها چشمگیر نبود. نمونه این اقدامات نشست روزیکشنبه ۱۶ اکتبر بود. در این نشست که از سوی "کمیته دفاع از سلمان رشدی" برگزار شده بود، حتی چند از شخصیت های سیاسی، نویسندگان و ناشناس ایرانی و خارجی شرکت داشتند و پیرامون مسئله سلمان رشدی و بی توجهی مسئولین نمایشگاه به این مسئله سخنرانی و گفتگو داشتند، در این نشست "بهمن شیرومند" از سوی "کانون نویسندگان ایران در تبعید" شرکت داشته

امسال نمایشگاه کتاب در فرانکفورت، که هر ساله برگزار میشود در زمهره بزرگترین نمایشگاه های کتاب در جهان است، نمایشگاه "حقوق بشر" به سبک دولت آلمان بود. آلمان فدرال، دوست و حامی جمهوری اسلامی، که در کنار دولت آمریکا خود را معلم و مجری "حقوق بشر" میدانند، آنگاه ما را برای حضور جمهوری اسلامی در نمایشگاه با زکرده و میکند. مسئولین این نمایشگاه، جمهوری اسلامی را که در سالهای ۸۵ و ۸۶ با تلاش نیروهای انقلابی از نمایشگاه بیرون انداخته شده بود، از پنجره وارد نمایشگاه میکنند. پس از آنکه مسئولین نمایشگاه مشکلاتی برای برپایی غرفه کتاب که با نام رفیق سعید سلطان پور برپا میشد ایجاد کردند به تدریج اجازت دهند تا تحت نامنا شرومی نمایشگاه کتاب برگزار شود ولی دولت آلمان فدرال به همین حدهم را ضعیف نشد و تلاش میکند تا در سالهای آتی به درخواست جمهوری اسلامی برای حضور در نمایشگاه پاسخ مثبت بدهد.

دولت آلمان فدرال امسال نیز به جای افشای امثال جمهوری اسلامی، که دشمنانشان علم و دانش و ادبیات بر مردم آگاه جهان پوشیده نیست و تاکنون نیز دستش به خون بسیاری از نویسندگان، مترجمین، مولفین و محققین ایرانی آغشته شده است، رژیم که کتاب سوزانند را "شرعی و اسلامی" میدانند و حتی دستور قتل نویسندگان که شهروند کشورهای دیگرند را صادر میکند، در مدد او را به مجوز برای غرفه توسط این رژیم است.

بیدلیل نیست که دولت آلمان فدرال در مورد کتاب "آیه های شیطانی" که در زمهره پرفروشترین کتابهای نمایشگاه بود سکوت اختیار کرد و کلمه ای نیز در دفاع از سلمان رشدی و تقبیح گفته ها و اقدامات تروریستی رژیم برزیل

پس از تشکیل کمیته علیه تروریسم دولتی رژیم در شهرها نور آلمان غربی که خبر آنرا قبلا در پیام کارگر به اطلاع خوانندگان رساندیم، توسط بنیادندگان ایرانی مقیم شهر برلین غربی کمیته مشابهی تشکیل شد و وظایف زیر را در مقابل خود قرار داد:

- ۱- مبارزه با فعالیتهای تروریستی رژیم جمهوری اسلامی تحت هر نام و پوششی به ویژه فعالیت دیپلماتیک.
- ۲- جلوگیری از سرپوش گذاری بر جناحیات